

عقب‌گرد دموکراسی

ژیلا رشیدی‌نیا

کارگردان، ش ۲۶۸، ۸۶/۱/۲۸



چکیده: نویسنده محترم در این مقاله به دنبال تبیین وضعیت دموکراسی در کشورهای عربی است. وی معتقد است کشورهای خاورمیانه واکنش‌های متفاوتی در برابر دموکراسی به شیوه غربی از خود نشان داده‌اند. بعضی از کشورها مثل لبنان، سوریه، مصر و امارات متحده عربی با مسأله به صورت نرم و ملایم برخورد کرده‌اند و در مقابل، کشورهای نظیر کویت و عربستان سعودی حتی در برابر کوچک‌ترین تغییرها مقاومت نشان می‌دهند. در جمع‌بندی نهایی، نویسنده اعتقاد دارد حرکت واپس‌گرای اعراب منطقه سبب شده بسیاری از تحلیلگران خاورمیانه به این نتیجه برسند که نسیم دموکراسی بلافاصله پس از وزیدن به کوه مقاومت دولت‌های منطقه برخورد کرده است و از ادامه مسیر بازخواهد ماند.

مدت‌هاست بحث بر سر دموکراسی در کشورهای خاورمیانه و به خصوص کشورهای عربی جریان دارد، اما واکنش‌ها متفاوت است. بعضی از کشورها نظیر لبنان، سوریه، مصر و امارات ظواهر زندگی غربی را پذیرا هستند و برخی مثل کویت و عربستان مقاومت می‌کنند. واقعیت آن است که کشور عراق نیز تا برخورداری از دموکراسی فاصله بسیاری دارد. با این حال بسیاری از تحلیلگران نسبت به ایجاد دموکراسی در عراق امیدوارند، اما بعید به نظر می‌رسد تفاوت چندانی با دموکراسی به سبک الکفایه مصری داشته باشد. در بیشتر کشورهای عرب این منطقه نرخ رشد اقتصادی کند است و حقوق بشر نقض می‌شود. در کشورهای عرب منطقه خاورمیانه و آفریقا وضع به نحو دیگری در جریان است. ساختار

حکومتی این کشورها از ثبات مستحکمی برخوردار است و نظام حکومتی آنها تحت شرایط ویژه‌ای احتمال تغییر دارد. با این حال گسترش استفاده از اینترنت و برخورداری از ماهواره به بروز نوعی دموکراسی ظاهری دامن زده است. نخستین دست از تحولات دموکراتیک می‌توانست در لبنان صورت گیرد و به گفته تحلیلگران این تحولات قابلیت آن را دارا بود که چهره کل خاورمیانه را دگرگون سازد. در سال ۲۰۰۵ تظاهرات خیابانی لبنانی‌ها برخی کشورها را تحت تأثیر قرار داد. هنوز از این جنبش چیزی نگذشته بود که در بحرین شیعیان به خیابان‌ها ریختند و خواستار سهم بیشتری از قدرت شدند. قاضی‌های مصری از دولت حاکم بر مصر تقاضا کردند بر انتخابات این کشور نظارت مستقل داشته باشد این احتمال وجود دارد که در سوریه اصلاحاتی مدرن صورت گیرد و احزاب دیگری به جز حزب بعث حاکم اجازه فعالیت پیدا کنند. حدود دو سال پیش علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور یمن خطاب به سایر رهبران عرب منطقه اعلام کرد که بهتر است از همین حالا پذیرای اصلاحات باشند تا در آینده با خیزش‌های دموکراتیک روبه‌رو نشوند. واکنش کشورهای عرب نسبت به حمله آمریکا به عراق متفاوت بود. حاکمان الجزایر، تونس و مصر ناگزیر شدند با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری بار دیگر خود را به عنوان حاکم معرفی کنند و در همین رابطه عربستان سعودی نیز در نمایش جنجالی اقدام به برگزاری انتخابات شورای شهر کرد. حرکت واپس‌گرای اعراب منطقه سبب شده که بسیاری از تحلیلگران امور سیاسی منطقه نگران شوند و فکر کنند نسیم دموکراسی بلافاصله پس از وزیدن به کوه مقاومت دولت‌ها برخورد کرده است. انقلاب سدر لبنان در سال ۲۰۰۴ از روندی متمایز پیروی می‌کند. این جنبش ناگهانی نفوذ سوریه در این کشور را تحت تأثیر قرارداد ولی با این حال این موضوع از قدرت رهبران فرقه‌ها و طایفه‌های قومی و مذهبی در این کشور نکاسته است.

این امر تا بدان جا ادامه یافته که تحلیلگران غربی بر این باورند که ظهور دموکراسی در این کشور و بقای نظام فعلی حاکم بر آن به مویی بند است. در این حال یکی از عوامل برای حفظ سنت در منطقه می‌تواند جزم‌گرایی دسته‌ای از این اعراب باشد. به عنوان مثال بسیاری از نمایندگان و نامزدهای انتخاباتی سکولار در انتخابات عراق شکست خوردند. در طرف دیگر جنبش حماس در فلسطین موفق شد اکثریت مجلس را به خود اختصاص دهد و انتخابات شورای شهر عربستان با پیروی اسلام‌گرایان پایان گرفت. در مصر جنبش اخوان المسلمین توانست یک پنجم کرسی‌های مجلس را کسب کند. این جنبش

بازتاب اندیشه ۵۰
عقب‌گرد
دموکراسی

اسلام‌گرایانه نه تنها حاکمان منطقه که دولت‌های غربی را نیز به وحشت انداخته است. این تحولات تا جایی گسترش یافته است که محققان و روشن‌فکران عرب اکنون می‌گویند که دولت‌های غربی بهتر است به خود زحمت ندهند و از حمایت از دموکراسی در جهان عرب دست شویند.

● اشاره

نجف علی‌غلامی

تحلیل نویسنده محترم مبتنی بر اصل واقع‌گرایی در جهان سیاست است ایشان با ارائه مستندات و آمار و ارقام وضعیت دموکراسی در جوامع عربی و خاورمیانه را در مسیر ناکامی نشان می‌دهد. که البته مطلبی صحیح و غیر قابل انکار می‌باشد. نویسنده محترم تلاش نموده است که علت عمده عدم رشد دموکراسی در منطقه را مقاومت دولت‌ها و علاقه آنها به استمرار کسب قدرت نشان دهد. اگر چه این مسأله قابل انکار نیست اما نقصی که در این مقاله به چشم می‌خورد انحصار علت عقب‌گرد دموکراسی در مقاومت دولت‌هاست. به نظر می‌آید علل و عوامل دیگری نیز در این مسیر دخیل باشند که بطور اجمال و اختصار اشاره‌ای می‌شود.

۱. مناسب نبودن الگوی دموکراسی غربی: منطقه خاورمیانه و جوامع غربی، ملل اسلامی محسوب می‌شوند. اگر چه در بعضی از کشورها ظواهر اسلامی رنگ باخته و جای خود را با ارزش‌های غربی معاوضه نموده است، اما اصالت دینی و علقه‌های مذهبی بسیار عمیق هستند. بنابراین ارائه الگوی دموکراسی به شیوه غربی هیچ‌گاه نخواهد توانست در کشورهای اسلامی برای خود پایگاه و جایگاه مستحکمی فراهم آورد و با مقاومت اندیشه‌های اصیل اسلامی روبرو خواهد شد. لیبرال دموکراسی که خود مبتنی به آسیب‌ها و ضعف‌های اساسی است و در اداره جوامع غربی دچار مشکل شده است، چگونه می‌تواند داروی شفابخش کشورهای اسلامی تلقی گردد.

۲. وجود گروه‌های افراطی: یکی از موانع عمده تقویت نیافتن دموکراسی در جوامع عربی - اسلامی تأثیرگذاری گروه‌های افراطی بر روند اصلاحات سیاسی است. به عنوان نمونه کشور عربستان به شدت تحت تأثیر اندیشه‌های وهابی می‌باشد. این گروه با هر گونه اصلاحات اجتماعی - سیاسی مخالف هستند.

مردم عربستان به تدریج در اثر افزایش سطح تحصیلات، مسافرت خارج و ارتباط با دیگر ملل، آگاهی بیشتری نسبت به حقوق و تکالیف متقابل ملت و دولت یافته‌اند. روی کار آمدن ملک عبدالله برای اصلاح‌طلبان، نوید بخش تداوم جدی‌تر اصلاحات در عربستان

سعودی است.^۱ اما یکی از موانع مقابل ملک عبدالله وجود روحانیون متعصب و مذهبی افراطی است که اغلب خواهان کندتر شدن روند اصلاحات و توجه بیشتر به سنت‌های موجود و قدیمی جامعه عربستان هستند.

۳. ماهیت سیستم سیاسی: از جمله عواملی که می‌تواند بسترسازی مناسب برای استقرار دموکراسی نماید ماهیت سیاسی و نوع مشروعیت آن حکومت است. در حقیقت نوع نگاه به قدرت و چگونگی بدست آوردن آن و مکانیزم حفظ قدرت، تأثیر بسزایی در اهمیت دادن حکومت به نقش مردم است. نظامی که حفظ قدرت را برای خود به هر قیمت لازم بداند طبیعتاً برای نقش مردم در حکومت جایگاه در خور شأنی متصور نخواهد بود. نظام‌های سیاسی جوامع عربی و منطقه خاورمیانه بر اساس حکومت انفرادی اداره می‌شوند و به اشغالگری نیروهای خارجی با تمام ابعاد آن تن در می‌دهند و با وجود اختلاف در اوضاع طبیعی و مراحل استقلال سیاسی از سیستم واحدی برخوردارند که حاکی از بحران در دولت‌های عربی و نظام سیاسی آنهاست.^۲ دولت‌های عربی و نظام سیاسی آنها از نقطه نظر ثبات ظاهری دارای اشکالات درخور توجه‌ای است، زیرا موضوعی چون مشروعیت ملی و تلاش برای کسب مشروعیت سیاسی - اجتماعی در آنها وجود ندارد. در طی دوره معاصر محیط سیاسی - عربی صحنه رسمی و غیررسمی خشونت بوده است و این مسأله مشروعیت سیاسی دولت‌های عربی را با مشکل مواجه کرده است. مرکزیت قدرت سیاسی در شخص رئیس دولت، نقش تراکم دستگاه‌های اداری و سیاسی دولت در اقتصاد، فقدان سازمان‌های سیاسی در جوامع عربی و خاورمیانه، نیز از جمله عوامل عقب‌گرد دموکراسی در منطقه است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. فصل‌نامه مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم، ش ۱۲، ص ۸۴

۲. همان، سال دوازدهم، ش ۳، ص ۳۲